

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children	کودکان
----------	--------

فرستنده: افسانه وحدت  
۰۹ دسمبر ۲۰۱۴

## خشونت جنسی به دختران در افغانستان مصاحبه تلویزیون کودکان مقدمند با کبری سلطانی فعال دفاع از حقوق کودکان

**افسانه وحدت:** در مورد تجاوز جنسی به دختر ده ساله توسط ملای مسجد در ولایت کندز به بیندگانی که در جریان نیستند توضیح دهید.

**کبری سلطانی:** با سلام خدمت بینندگان عزیز و تشکر از شما.

طبق گزارش خانم **حسینه سروری** مسؤول خانه امن ولایت کندز، به تاریخ ۲ ثور (اردیبهشت) سال جاری دختر ده ساله ای به اسم **برشنا** در قریه **التي گنبد** ولایت کندز از طرف یک ملای مسجد به اسم **امین الله بارز** مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است. **امین الله** ملای مسجد **التي گنبد** از طرف پولیس این ولایت دستگیر و به جرمش اعتراف کرده است

**برشنا** اظهار می کند که او نزد این ملا برای فرا گرفتن علوم دینی می رفته که به تاریخ ۲ ثور، **امین الله** دست، پای و دهن طفل را بسته و او را در باغ نزدیک به مسجد برده و به او تجاوز جنسی کرده است. **برشنا** می افزاید که بعد از عمل تجاوز جنسی ملای مسجد **التي گنبد** او را تهدید کرده که اگر در مورد این تجاوز به کسی صحبت کند تمام فامیل او را خواهد کشت. مادر **برشنا** نیز تأکید می کند که دختر شان برای فرا گرفتن علوم دینی نزد ملا به مسجد می رفته. این رویداد در زمانی اتفاق می افتد که در همان هفته گوش و بینی ملای دیگری به خاطر تجاوز به یک دختر خردسال توسط پدر و مادر آن دختر بریده شده است.

**افسانه وحدت:** این اولین بار نیست که ملایی با استفاده از موقعیتش به کودکان تعرض می کنند علتش را در چه می دانید؟

**کبری سلطانی:** بلی این یک موضوع تازه و یا اولین بار نیست که تجاوز به کودکان از طرف ملا، کشیش و یا سایر رهبران دینی صورت می گیرد. در طول تاریخ آلوده و ضد انسانی مذهب همواره این وقایع ننگین تکرار شده است. در کشورهای عقب مانده مذهبی، اعتقاد به مذهب سبب می شود که کودکان از سنین بسیار پائین از طرف والدین شان و ادار شوند تا به مسجد بروند و از همان سنین کودکی ذهن و جسم شان عرصه تجاوزملاها و نمایندگان دینی قرار می گیرند.

یکی دیگر از مشکلات جوامع عقب مانده و مذهبی تابو بودن آموزش در مورد مسایل جنسی است. صحبت کردن در مورد روابط جنسی شرم و جرم حساب شده لذا نه تنها کودکان و اطفال در مورد آزار جنسی و سوء استفاده جنسی و

تجاوز معلومات ندارند بلکه در صورت وقوع آن حتی بعضی شان نمی دانند که مورد سوء استفاده جنسی و یا تجاوز قرار گرفته اند و الفاضلی برای توضیح آن نمی یابند و یا بعضی کودکان و اطفال آن را طبیعی تصور کرده و بدین ترتیب فرد متجاوز با دست باز تری عمل کثیفش را به دفعات تکرار می کند.

نباید فراموش کنیم که در جوامع مردسالار و مذهبی والدین اند که برای اطفال شان تعیین تکلیف می کنند و ذهنیت حاکم بر جامعه نیز این شیوه بر خورد را تأیید می نماید.

و الدین به دلیل تخریب ذهنیت شان در داشتن اعتقادات مذهبی به ملا و مسجد جایگاه و احترام خاصی قابل اند. لذا اطفال نمیتوانند به خاطر ترسشان از والدین از گفته های ملا سر پیچی کنند این خود زمینه ساز استفاده جنسی از اطفال در همچو جوامع است.

ناگفته نباید گذاشت که در چنین جوامعی مالاها به عنوان رهبران دینی از قدرت و سلطه ای بزرگ بر خوردار هستند. همزمان به دلیل عدم حمایت اجتماعی از کودکان، کودکان قربانی تجاوز به دلایل ناموسی در معرض خطر مرگ قرار می گردند. طوری که خانم **حسینه سروری** مسؤل خانه امن کندز می گوید: او به خاطر مصونیت **پرشنا** (قربانی تجاوز جنسی) موافق نبوده که او را به والدینش تحویل دهند زیرا اکثر قربانیان به خاطر مسأله ناموسی به قتل می رسند.

**ویس الدین تلاش** امر جنائی پولیس کندز می گوید حیات این دختر مصون نیست... او می گوید تهدید یکی از احتمالاتی است که از طرف اقارب او متوجه اوست ضمناً متهم یک ملامت و موضوع در حریم خود ملاها آسیب بزرگی در موقعیت اجتماعی آنها به حساب می آید. طالبان نیز برای جلوگیری از خدشه دار شدن دین که وسیله مؤثری برای کنترل افکار و عقاید مردم است، قربانی جنایات تجاوز را مسؤل دانسته و به حکم شریعت اقدام به قتل آنها می نمایند. احتمالات چندین تهدید اجتماعی و عقیدتی متوجه کودک بیچاره است. بعضاً دیده شده که گفته های اطفال از طرف بزرگان به خصوص والدین جدی گرفته نشده و یا اصلاً بدان اعتماد نمی شود که این خود باعث خاموش ماندن اطفال و تکرار تجاوز جنسی می گردد. تمام این عوامل دست به دست هم زمینه تعرض به کودکان را مساعد می سازد.

**افسانه وحدت: فکر می کنید با این همه فجایی که در مساجد و از طریق آخوند ها اعمال شده و می شود هنوز هم مردم به این شکل اعتماد می کنند و کودکانشان را به آنها می سپارند؟**

**کبری سلطانی:** مسأله تجاوز جنسی توسط ملاها یک پدیده جدید نیست اجازه دهید تا مستندی را برایتان بیان کنم! شما حتماً با اسم **شیخ آصف قندهاری** رهبر حزب حرکت اسلامی آشنا هستید روایتی است واقعی از این قرار که **مشتاق** یکی از قومندانهای حزب حرکت اسلامی خواهری داشت دوازده ساله، که در زمان اقامتش در اسلام آباد پاکستان، خواهرش را به خانه **محسنی** برد تا همراه با فامیل شیخ زندگی کند و هم از **شیخ آصف محسنی** خواست تا به او احکام اسلامی را تدریس نماید.

**مشتاق** پس از آن که وعده حفاظت از خواهرش را از **محسنی** به عنوان عالم دینی و رهبر حزیش دریافت کرد و مطمئن شد که خواهر نابالغش سرپناهی یافته است، به افغانستان باز گشت برای به اصطلاح جهاد.

از این اطمینان **مشتاق** دیری نگذشته بود، که خبر رسید خواهرش در سن دوازده سالگی از طرف آیت الله **محسنی** مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و حامله شده است.

نظر به حرفهای همسنگران **مشتاق**، قومندان **مشتاق** از این پیشامد بسیار خشمگین گردیده و نامه اعتراضی شدید الحنی را به **محسنی** فرستاد. **محسنی**، با دریافت نامه اعتراضی **مشتاق**، از ترس پراکنده شدن این خبر در بین مردم، تصمیم می گیرد او را از بین ببرد.

شیخ محسنی خواهر ۱۲ ساله مشتاق را به عقد نکاح خویش درآورد و پس از آن به سید حسین انوری دستور داد، تا مشتاق را برای همیشه خاموش کند.

دخترک توسط شیخ پیر مورد تجاوز قرار می‌گیرد و به اینگونه مشتاق به قتل می‌رسد. این موضوع را چندی قبل یک ژورنالیست به خاطر پرده برداری از روی خیانت‌های رهبران جهادی و از جمله شیخ آصف محسنی که خودش را مبلغ اسلام شیعی می‌گوید و مدارس مذهبی را به کمک جلادان جمهوری اسلامی در افغانستان بنانهاده باز گو شد. چندی نگذشت که مسلم فهیمی سردبیر روزنامه هریوا در ولایت هرات نا پدید گشت و تا حالا مفقود الاثر است. اخبار منتشر شده در مورد تجاوز جنسی بر کودکان در مساجد، بخش کوچکی از جنایات آخوند ها و واعظان دین را در افغانستان را منعکس می‌کند.

در این اواخر قضایای تجاوز جنسی در افغانستان به خصوص در ولایات کنر، بلخ و اکنون در سمنگان گزارش شده اند، اما نگرانی ها وجود دارند که عوامل این جنایات به ندرت مورد مجازات قرار می‌گیرند. به گفته کارل مارکس مذهب افیون توده هاست. در جوامع بسته، فقیر و مذهبی والدین در تنگنا افتاده، تجاوز بر اطفال توسط آخوند ها را امری صرفاً مرتبط به آن آخوند و ملا دانسته و در مجموع مذهب را مقصر نمی‌دانند. با آن که نقش بالفعل آخوندها و ملاها را عملاً در تجاوز بر کودکان شاهد هستند، کماکان مساجد را اماکن مقدس پنداشته و با اعتماد اطفال شان را به آن مکانها می‌فرستند. دلیل عمده این امر تخدیر ذهنیت توده ها به وسیله دین است. امکانات وسیع مالی و تبلیغاتی را که دین در اختیار دارد، زمینه را برای تحمیل افکار قدرتمندان دین مدار در ذهن مردم مهیا می‌نماید.

در کنار اعتماد والدین عوامل دیگری نیز مسبب این بدبختی هاست مثلاً در جوامع بسته در سنتها، مذاهب، تابوها و ناهمی ها، تحمیل فرهنگ محافظه کارانه بر تفکر آحاد جامعه، فقر مادی و فرهنگی چنان در جامعه سایه افکنده است که مردم به مشکل متوجه نقش پای دین و در گسترش آن جنایات، می‌گردند.

نه تنها پرشنا که دختران دیگری که مورد تجاوز قرار می‌گیرند در خفا هم از طرف خانواده و هم از طرف فرد متجاوز به خاطر فرهنگ و سنتهای عقب مانده سرکوب و شکنجه می‌شوند و مجالی به او داده نمی‌شود تا در مورد خودش سخن بگوید زیرا آبروی خانواده ریخته می‌شود سوال پیدا می‌شود ، آیا باز گوئی این واقعه به معنای آبروداری خانواده قربانی است یا آبرو ریزی؟ آیا خانواده و والدینی که به بهانه آبروداری، سکوت اختیار می‌کنند باورمندی به آبرو و شرف دارند؟ آیا از سکوت آنان، آبروداری درک می‌شود یا بی‌اعتنائی به آبرو؟

بعضاً شرایط کار و تأمین اقتصاد نیز زمینه ساز اینگونه تجاوزات می‌گردد مثلاً اطفالی که از سنین پائین در اماکن و یا فابریکهای کوچک کار می‌کنند و یا اطفال خیابانی، دم دست ترین و ارزانترین و بی‌دردسرتترین منبع در تداوم پدیده نکبت پدوفیلی می‌باشد.

بی‌اعتنائی، عدم توجه و عدم اعتماد و کم رنگ بودن رابطه عاطفی بین والدین و فرزندان نیز زمینه ساز تجاوزات جنسی بر کودکان اند.

اگر در اینجا بحثم را جمع کنم می‌توان گفت در جوامع بسته، عقب مانده، سنتی و مذهبی هم اطفال وهم والدین ضرورت به آموزش در مورد روابط اجتماعی و جنسی دارند. تابوهای اخلاقی که دین نگهبان آنهاست، باید شکستنده شوند، مسأله تجاوز جنسی نباید دامن قربانی را بگیرد.

با زدن علامت ناموسی به این پدیده غیر انسانی، نباید متجاوزین در امان بمانند. هر قدر روابط عاطفی بین والدین و اطفال صمیمی تر باشد به همان اندازه اطفال در گفتن رازها و وقایع، خودشان را مصونتر احساس می‌کنند.

**افسانه وحدت: دولت ملی مذهبی افغانستان که دولت وحدت ملی نام گذاشته شده است، چه بر خوردی به این مسأله داشت و نقش دولت را چه گونه بررسی می نمائید؟**

**کبری سلطانی:** یک مسأله را همیشه به یاد داشته باشیم که در یک جامعه طبقاتی همه ارکانهای دولت مارک طبقاتی بر خود دارند. قانون و پولیس، آن زمان آدمها را جدی می گیرند که میدیا بدان توجه کند و آن را انعکاس بیشتر دهد. تا جایی که من از میدیا شنیدم ملا امین الله دستگیر و به ۲۰ سال حبس و جریمه نقدی محکوم شده است. چه بسا دختران و کودکانی که خاموشانه مرده اند یا در بین مرگ و زندگی به سر برده اند. ولی نمی شود به سیستم فاسد دولتی در افغانستان اعتماد کرد به نوشته سازمان دیدبان حقوق بشر، با تأسف که سطح خشونتها علیه زنان در افغانستان خیلی افزایش یافته است، یکی از دلایل آن هم اینست جزای تجاوز بالای زنان بر خود زنان اعمال می شود و در محاکم افغانستان به عاملان به عنوان تجاوز جنسی جزاء داده نمی شود، در این حالت زنان قربانی تجاوزهای جنسی هم به نام جرایم اخلاقی روانه زندان می شوند. چنانچه صدها زن از این درد در زندانهای افغانستان با کودکانشان یکجا در رنج اند.

**افسانه وحدت: به چه شکل می توان کمپین اعلام شده را از طرف کودکان مقدمند در افغانستان از پیش برد؟**

**کبری سلطانی:** تحقق هر نوع کمپین یا پروژه ضرورت به ثبات و امنیت دارد، افغانستان بعد از یک سلسله جنگهای داخلی و تغییر و تبدیلهای هنوز همچنان دستخوش همان بحرانها است. این بحران تمام زمینه ها را در افغانستان زیر تأثیر دارد.

سیستم مافیائی دولتی و غیر دولتی، عدم امنیت، مردان تفنگدار و قاچاقچیان محلی و سیستم دولتی فاسد و ضعیف زمینه را برای فعالیتهای باندهای جنایتکار، تجاوز جنسی بر زنان و کودکان به اشکال بچه بازی، فحشاء و غیره مساعد ساخته است. از همه مهم تر مسأله مذهب و سنت هاست که مالکیت والدین و کلانسالان را بر اطفال مهر تأیید می زند و در جامعه افغانستان اکثریت مردم مسلمان و سنتی اند و ایشان با استفاده از قوانین غیر انسانی اسلامی خودشان را تیرنه می کنند.

البته تحقق کمپین اعلام شده از طرف کودکان مقدمند کاری آسانی نیست و تمام این مشکلات را در مقابل خودش دارد، ولی نمی توان به خاطر این مشکلات انسانی را که ضرورت به کمک و هموائی دارند به حال خودشان رها کرد تا دستخوش این ناملایمات گردند.

لذا بر تمام انسانهای آگاه و آزادیخواه و انساندوست است تا کوشش نمایند برای شکستن تابوهای مذهبی، بی حقوقی اطفال و کودکان، سادیسم فکری و جنسی ملا، مجاهد و رهبران مذهبی سیاسی و طالبانی جامعه مرد سالار فاسد و طبقاتی افغانستان منسجم شوند و در ضمن برای برچیدن مدارس مذهبی و ایجاد موانع در راه پخش افکار و عقاید بنیادگرائی مذهبی کار نمایند. بی تردید این مبارزه خیلی دشوار و پر بهاست ولی راه دیگری جز به گورستان سپردن نظام موجود و باورهای قرون وسطائی طالبانی، جهادی و امثال آن وجود ندارد.

**افسانه وحدت: چطور خانواده ای می تواند اینقدر ساده و علنی حکم قتل جگر گوشه شان را صادر کنند؟**

**کبری سلطانی:** خوب همانطور که در جواب به سوالات قبلی هم اندکی بدان پرداخته شد، در این جا مسأله قتل ناموسی مطرح است. قتل ناموسی با سایر خشونتهای خانگی متفاوت است.

واژه های چون ناموس، شرف، عفت، حیاء، عصمت، شرم و آبرو مفاهیمی اند که چون زنجیر بر تن و روان زن و رابطه برده دار و برده را در عرصه روابط جنسی بیان می کنند. مالکیت مرد بر زن به زبانی دقیق با رعایت همین

مفاهیم اعمال می‌گردد، و بردگی زن را بیان می‌کند. برده با زیر پای گذاشتن عرف یا قانون بردگی به آسانی جانش را از دست می‌دهد.

زن نیز با نقض مناسبات پاتریارکی به راحتی به قتل می‌رسد. «لکه دار شدن ناموس» مرد و خانواده و طایفه، مقام و منزلت آنها را در سطح عشیره و طایفه و ده و شهر پائین می‌آورد، آنها را در سلسله مراتب قدرت ضعیفتر می‌کند، به همین دلیل لازم می‌بینند که این «لکه» را پاک کنند.

در واقع سرپیچی برده، مقام برده دار را آنقدر زیر سؤال نمی‌کشد که دست از پا خطا کردن زن، شأن و منزلت مرد را پائین می‌کشد.

قتل ناموسی در دین نیز تأکید شده است. برای مثال شریعت اسلام مقام خاصی برای ناموس قائل است و قتل زن را به دلایل ناموسی مجاز می‌شمارد.

دولت فاسد افغانستان نیز مسأله را خانوادگی شمرده پیگیری نمی‌کند. لذا دست مردان خانواده در اعمال قتل ناموسی باز است.

باید گفت که پرشنا نه اولین قربانی است و نه آخرین با تأسف تا زمانی که زنان در افغانستان با آگاهی و توان این سیستم نابرابر را با تمام روبنای مزخرفش (منظورم عرف و سنت و فرهنگ و مذهب و سایر پدیده هایش) به زیر نکشد همواره قربانی این برده داری ها خواهد بود.\*

نشریه کودکان مقدمند شماره ۱۱۹ آذر ماه [قوس] ۱۳۹۳